

## ۹۵ - ادعیه و خیرات و مبرات و شفاعت

از حضرت بهاء الله در لوح شهیر پارسی است. **قوله الاهی:** "براستی میگویم روان از کردار پسندیده خوشنود میشود و داد و دهش در راه خدا باو میرسد."

**و از حضرت عبدالمهتد در مفاوضات است. قوله العزیز:** "چون روح انسانی بعد از خلع این قالب عنصری حیات جاودانی دارد البتّه شیئی موجود قابل ترقّی است لهذا از برای انسان بعد از وفات طلب ترقّی و طلب عفو و طلب عنایت و طلب مبرات و طلب فیوضات جائز است چه که وجود قابل ترقّی است این است که در مناجات‌های جمال مبارک بجهت آنانکه عروج کرده‌اند طلب عفو و غفران شده‌است و از این گذشته همچنانکه خلق در اینعالم محتاج بحقّ هستند در آنعالم نیز محتاج هستند همیشه خلق محتاج است حقّ غنی مطلق چه در این عالم و چه در آنعالم و غنای آنعالم تقرّب بحقّ است در اینصورت یقین است که مقربان درگاه الهی را شفاعت جائز و این شفاعت مقبول حقّ اما شفاعت در آن عالم مشابّهت بشفاعت در اینعالم را ندارد کیفیتی دیگر است و حقیقتی دیگر که در عبارت نگنجد و اگر انسان توانگر در وقت وفات باعانت فقراء و ضعفا وصیّت کند و مبلغی از ثروت خویش را انفاق ایشان نماید ممکن است این عمل سبب عفو و غفران و ترقّی در ملکوت رحمن گردد و همچنین پدر و مادر نهایت تعب و مشقّت بجهت اولاد کشند و اکثر چون بسن رشد رسند پدر و مادر بجهان دیگر شتابند نادراً واقع که پدر و مادر در مقابل مشقّات و زحمات خویش در دنیا مکافات از اولاد بینند پس باید اولاد در مقابل مشقّات و زحمات پدر و مادر خیرات و مبرات نمایند و طلب عفو و غفران کنند ... حتّی کسانیکه در گناه و عدم ایمان مرده‌اند ممکن است که تغییر نمایند یعنی مظهر غفران شوند و این بفضل الهی است نه بعدل ... چنانچه ما در اینجا قوّه داریم که در حقّ این نفوس دعا نمائیم همین طور در عالم دیگر هم که عالم ملکوت باشد همین قوّه را دارا خواهیم بود آیا جمیع خلق آنعالم مخلوق خدا نیستند پس در آن عالم هم میتوانند ترقّی کنند همچنانکه در اینجا میتوانند بتضرّع اقتباس انوار نمایند در آنجا هم میتوانند طلب غفران نمایند بتضرّع و رجا اقتباس انوار کنند. پس چون نفوس در اینعالم بواسطه تضرّع و ابطال یا دعای مقدّسین تحصیل ترقّی نمایند همچنین بعد از فوت نیز بواسطه دعا و رجا خود میتوانند ترقّی کنند علی‌الخصوص چون مظهر شفاعت مظاهر مقدّسه گردند."

**و در خطابی از آنحضرت است. قوله العزیز:** "در این دور رحمانی تضرّع و زاری و شفاعت بدرگاه احدیّت از برای جمیع نوع انسانی جائز و مثمر ثمر زیرا ایندور جمال مبارک است و رحمت برای جمیع وجود از غیب و شهود."

**و قوله الجلیل:** "اما خیرات و مبرات البتّه از برای اموات سبب تهوین سیئات و تزئید حسنات گردد زیرا نفوس از آن خیرات مستفید شوند و آن مانند استغفار است و چون ثمر استغفار مسلمّ خیرات و مبرات احسن و اعظم."

**و قوله الکریم:** "ترقی روح انسانی بعد از قطع تعلق از جسد ترابی در عالم الهی یا بصرف فضل و موهبت ربّانی و یا بطلب مغفرت و ادعیه خیریه سائر نفوس انسانی و یا بسبب خیرات و مہزات عظیمه که بنام او مجری گردد حاصل شود."

**و نیز از آنحضرت است . قوله العزیز:** "اما شفاعت حضرت رسول مخصوص با امت رسول بود."

**و از حضرت بہاء اللہ است عزّ بیانہ:** "هو السامع المجیب قل اشہد یا الہی بما شہد بہ انبیائک و اصفیائک و بما انزلتہ فی کتیبک و صحفک اسألک باسرار کتابک و بالذی فتحت بہ ابواب العلوم علی خلقک و رفعت رایة التوحید بین عبادک بان ترزقنی شفاعتہ سید الرسل و ہادی السبل."

**و قوله جلّ ثنائہ:** "اسئلک یا فالق الاصباح و مسخر الریاح بانبیائک و رسلک و اصفیائک و اولیائک الذین جعلتہم اعلام ہدایتک بین خلقک و رایات نصرتک فی بلادک و بالنور الذی اشرق من افق الحجاز و تنورت بہ یثرب و البطحاء و ما فی ناسوت الانشاء بان تؤید عبادک."

#### \*\*\*\*\*حاشیہ\*\*\*\*\*

ابو حنیفہ بمعدودی از آیات و احادیث استشہاد کرد کہ حضرت نبوی تواند شفاعت از گناہان کبیرہ امت خود کند و مقبول بارگاہ کبریا گردد ولی معتزلہ گفتند کہ شفاعت نبی تأثیری در اسقاط عذاب نکند و بآیاتی نیز استدلال نمودند

در قران است قوله تعالی: کلّ نفس بما کسبت رھینة  
و قوله: لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیہ سوف یری  
و قوله: ما لهم ما شافعین فما تنفعهم شفاعتہ الشافعین  
و قوله: یا نوح انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح